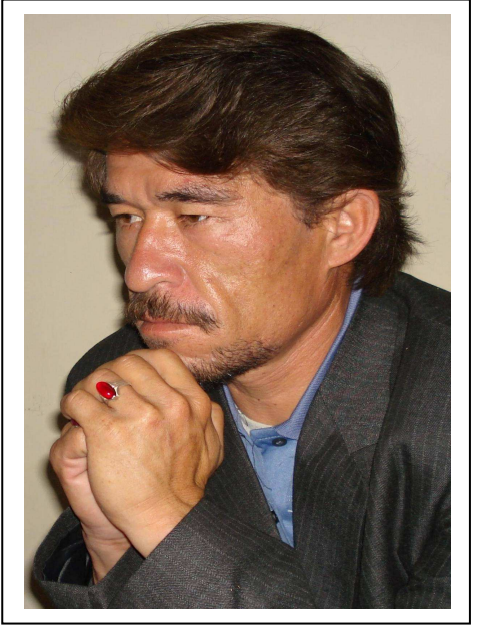


شهر ما خانه ماست



در این روزها همه به دنبال معجزه می گردند تا غولی از چراغ جادو بیرون بیاید و آرزوهای کوچک و بزرگ آدم‌ها را بر آورده کند، غولی که به رؤیاهای ما رنگ واقعیت ببخشد و ما را از سختی‌ها غم و درد رنجها رها سازد. اما "ویا قرار بر این است که این غول هیچ موقع از چراغ جادوی بیرون نیاید و ما همچنان به هر صورت که می‌توانیم با مشکلات دست پنجه نرم کنیم. آیا واقعا چگونه می‌شود زندگی را متحول کرد؟ آیا باید همیشه همه چیز و همه کس را باعینک بدبینی ببینیم؟ یا همه چیز و همه کس را با توهم و اوهام برخورد کرد و با همه چیز و همه کس با سوزن نگرستی؟ آیا روزی خواهد رسید که مشکلات کم‌رنگتر شود و ما یاد بگیریم بهتر و قشنگتر و زیباتر زندگی کنیم. زیباتر زندگی کردن این مهمترین اصل فراموش شده در زندگی مردم زیبا زیستن است. درست که ما فقیریم، درست است که ما وارث ویرانه‌های باقی مانده از جنگیم، درست است که ما با گذشت سه دهه مصیبت تا هنوز بر شانه‌های خود جنازه حمل می‌کنیم، درست است که در طی این سالها حکومت رعیت و رعیت از حکومت بیزار و نارازی است، نگاه ما به همدیگر گرگ میش اند و در طی این هشت سال که گذشت رنگ سبزی بر رؤیاهای گرد آلود ما نزد، اما با همه این‌ها و اگرها ما ناچار برای زستینیم و زندگی کردن. از آنجای که ما مردم همواره نگاه بد بنیانه به همه چیز داریم حس اعتماد به همدیگر را از دست داده ایم گویا همه اتفاقات بد و ناگوار در ذهنمان می ماند و از یاد و خاطره ما پاک نمی‌شود، در حالی که خاطرات خوب مثل برق از ذهن ما می‌رود. ما باید یاد بگیریم که با دیگران رابطه خوبی داشته باشیم. با خود مهر بورزیم و دیگران را دوست بداریم و عملی که انجام می‌دهیم مبنی بر ارزشهای اخلاقی باشد. سالیان دراز زستین در ظل نظامهای استبدادی و قبیله سالار ما را چنان به بار آورده اند که نه تنها با ارزشهای اخلاقی و مدنی بیگانه ایم که با آن سر ستیز نیز داریم. بی‌اعتمادی که در عمیق لایه‌های جامعه ما رسوخ کرده اند امروز مانع دستیابی ما به یک زندگی زیبا می‌شود. ما باید یاد بگیریم همه را به دید دشمن نگاه نکنیم و ریشه‌های بی‌اعتمادی را در جامعه بخشکانیم. این پیامی است که اگر درک شود و در ذهن و روان ما جا بی‌افتد، اعتماد را جایگزین رفتارهای نا بهنجار می‌کند. افغانستان یکی از صدها کشور موجود در جهان است که مردمانش بی تفاوت به مفهوم قشنگی و زیبای زندگی و محیطی‌شان است کابل، قندهار، غزنی، مزار، دایکندی و ... شاید از کثیف ترین شهرهای دنیا باشد بازارک یا شهر نیلی در میان هزاران شهر و شهرک بازار و بازارچه در بالاترین سطح آلودگی قرار دارند.

✓ محمد رجا

بازار چه نیلی یا همان شهر نیلی مرکز ولایت نو پا و نو تشکیل دایکندی که متشکل از سه راسته دوکان دو طبقه با چشم انداز ناموزن و نامنظم دوکانها که در شیب تند یک تپه واقع شده است، از بالا به پایین و یا بر عکس به این چشم انداز نگریسته شود شبیه پله‌های کاهگلی می‌ماند. زباله انباشته شده از بوتل پلاستیک، کارتن و انواع قوطی فلزی در کف بازار پارک نامنظم موتورها چتلی مسافر خانه‌ها به اصطلاح هوتل، قصابی، نانوا، ها، گاو فروشی، بز فروشی، گوسفند فروشی و صدها سگ ولگرد انباشت صدها تن زباله مدفوع انسان و حیوان، سر پاچه گاو گوسفند، لاشه سگ مرده در اطراف بازار نیلی، با وزیدن نسیم شمالک بوی مدفوع انسان حیوان زباله فضا را دیگرگون می‌کند. با فرارسیدن



فصل گرما میلیون‌ها مگس و زنبور حاکم بلامنازع این بازار می‌گردد. همه چیز در این بازار ناموزن است از آدم‌ها تا دوکانها این ناموزنی خاص بازار نیلی نیست. این ناموزنی را در جای جای این سر زمین می‌شود تماشا کرد. این سخن از بزرگان دینی ماست (الناس علی دین ملوکهم) مردمان بر دین حاکمان شان است هم در سیرت هم در صورت هم در پاک‌ی هم در چتلی. شهر خانه شهردار است. نماد حکومت، تابلوی نیم رخ از فرهنگ آئینه تمام قد از زیبا خواهی مردم. این خانه شهردار این نماد حکومت تابلو نیم رخ فرهنگ آبرو و عزت نام ننگ هم شهردار هم حکومت و هم مردم است. ما اکنون شهر یا بازار داریم با مسائل و مشکلات بسیار که چه بخواهیم و چه نخواهیم باید در آن زندگی کنیم، به کسب و



قانون احوال ششمیه شیعه‌های افغانستان؛ موافقتها و مخالفتها

آن اشاره می‌کنیم. البته نظرات ایشان صرفا انعکاس دهنده دیدگاه خودشان است. موصوف ضمن سخنرانی شان چند نکته را یاد آور شدند: اول اینکه حجم عظیمی از اعتراضات علیه برخی از مواد قانون احوال ششمیه شیعه‌ها از بیرون کشور به داخل تزریق شده اند. که این نکته قابل توجه است. اینکه چطور شده است که مشکل مواد چند از قانون مذکور از چشم متخصصین حقوق و قانون افغانستانی به دور مانده است؟ بعلاوه ایشان از اینکه مشکل از طریق تظاهرات آرام بیان می‌شود اظهار خوشحالی کرده است. وی اضافه کرده است که محتوای این قانون ميسوفا بیش از ۹۲٪ مشترک بین فقه‌های اسلامی است و فقهای اسلامی افغانی نیز تأیید کرده اند. ایشان علاوه کرده است که با توجه به اینکه قانون احوال ششمیه از سوی رئیس جمهور جهت بازنگری در

همانگونه که خوانندگان محترم صبح دایکندی مطلع هستند، قانون احوال ششمیه شیعه‌های افغانستان دو طیف موافق و مخالفی را رقم زده اند. هریک از این طیفها گاهی بر سر دیگر شان به شکل تهاجمی برخورد کرده اند. از آنجا که هفته نامه صبح دایکندی به انعکاس رویدادها بدون طرفداری از سمت خاص توجه دارد و از هرگونه وارد شدن طیفی خود را معاف می‌داند اما تحلیل علمی خود را قطعاً خواهد داشت، ولیکن برای درک این مطلب که نمایندگان ولایت دایکندی چه سیاست و یا موضعی را اتخاذ کرده اند، به سراغ دیدگاههای یکی از نمایندگان دایکندی رفته ایم. آقای صادقی زاده یکی از نمایندگان مردم دایکندی در ولسی جرگه در سخنرانی شان در پارلمان راجع به روند شکل گیری مخالفتها علیه قانون احوال ششمیه شیعه‌ها اظهار نظر کرده اند که به آن

اشتباه درست

روح الله فصیحی زاده

گرچه زمانی زیادی تا انتخابات در کشور هنوز باقیست لیکن تب این فرایند از هم اکنون تمام مسایل اجتماعی باشندگان افغانستان را در چنبره خویش قرار داده است. شرایط ناهمگون سیاسی فعلی متأثر از دو دیدگاه متفاوت اما با یک منبع معلوم می‌باشد:

الف - دیدگاه اول نگرانی افکار عمومی از رونوشت سیاسی کنونی هست. بحث بر سر انتقال قدرت مسئله ساده و آسانی در این کشور نمی‌باشد و به نظر می‌رسد به چالشی عظیم در کشور تبدیل شده است. هرچند مردم از دست داشته‌های فعلی امنیت نسبی، خدمات صحی ابتدایی و تعلیم و تربیه لنگان لنگان با تمامی مصائب به مانند کشت و زرع مواد مخدر، فساد ادارات دولتی و به طور کل ناکامی دولت و به دنبال آن بلایای طبیعی، تا حدودی راضی به نظر می‌رسند، اما باید گفت که انتخابات پیش رو چرا حائز اهمیت و موجبات نگرانی را فراهم ساخته است؟ دوره بعد از انتخابات مطمئنا خواسته یا ناخواسته روزهای نوی را در بر خواهد آورد که ممکن است به گونه‌ای با جریان فعلی کشور ناهمگون بلکه مغایر باشد. این مسئله بر می‌گردد به نوع انتخاباتی که مختص کشور ماست. افراد بر اساس ضوابطی متفاوت کاندید و گزینش می‌شوند که خود گویای ناپختگی این فرایند در کشور ماست. از این فرایند به جریان اصلاحی، انتقادی مسماست که در حقیقت به طرح‌ها، راهکارها، رهنمودها و تخصص‌ها را رونمود و بهترین را برمی‌گزیند. باید اشاره نمود که افکار عمومی چندان که نشان می‌دهد از جریان فعلی خوشنود نیستند و به اصطلاح "اشتباه درست" را اختیار کردند.

ب - دیدگاه دوم کمی میسوط تر می‌باشد. در حقیقت بخش اعظم نگرانی‌ها را هم تشکیل می‌دهد. دوران قبل انتخابات، همان طور که پیش تر بدان اشاره شد، فرایند انتقال قدرت در ادبیات سیاسی افغانستان چهرهای نامتجانس و تا حدودی غیر متعارف دارد.

اگر نیم‌نگاهی عاجلانه به چند دهه اخیر بیندازیم، چند نمونه از این دست بر می‌خوریم. انتهای حکومت داکترنجیب الله و تسلیمی حکومت مجاهدین سپس تثبیت حکومت مجاهدین سرانجام رژیم طالبانی و حکومت موقت.

از دمکراسی در قرن بیست به عنوان معجزه اجتماعی سیاسی یاد می‌کنند. و انتخابات میوه شیرین، دلچسب و میمون آن حال به لقمه‌ای سخت هضم برای ملت ما تبدیل شده است. این وضعیت ماحصل چند عامل می‌باشد که آن عوامل عبارتند از دمکراسی نوپا، آنارسی اجتماعی، فیزولوژی احزاب افغانی. به رغم همه این مشکلات و نکات برجسته منفی و یا مثبت، آنچه که مهم به نظر می‌رسد و شاید تعیین کننده باشد خواست جامعه جهانی است. به طور قطع جامعه جهانی نیز در این خاک پر درد منافی را دنبال می‌کنند. حال می‌بایست منابعی که آنان خرج نمودند اند چه مالی چه انسانی را به خاطر آورد و پرسید آیا آنان به اهدافشان دست پیدا نموده اند یا خیر؟ قدر مسلم یکی از خواست‌هایشان به ظاهر اسقرار صلح در کشور است. با این پیش فرض، جامعه جهانی قاعده بازی خاص خود را دارد. پس برای از دست ندادن محصول فعلی اعمال نفوذ و تقویت بعضی عناصر قابل پیش بینی می‌باشد. اختلاف در صفوف جامعه جهانی در قبال افغانستان و حمایت از کاندیدتوران مختلف خود بر وخامت اوضاع افزوده است. قاعدتا در کلیه انتخابات بطن حرکت با اکثریت می‌باشد و البته اکثریت به مفهومی که در علوم اجتماعی به کار می‌رود، یک فیلتر عظیم محسوب می‌شود. چنین حرکت‌هایی با خواسته بخش عظیمی از باشندگان این خاک به ندرت و یا حتی می‌توان گفت تجربه نشده با یک استثنا در انتخابات قبلی ریاست جمهوری که کشور شرایط خاصی را متحمل بود و حتی اینکه خود انتخابات نیز در آن جای شک وجود داشت جدای از تمامی این بحث‌ها مردم افغانستان بنا به شرایط سختی را که پشت سر گذاشته بودند در انتخابات قبلی اوضاع فعلی را (قابل پیش بینی بود) بدان رأی مثبت دادند که در حقیقت اشتباهی بود که به زعم آنان درست پنداشته می‌شد. بار دیگری فرصتی مغتنم برای احراز تصمیم مردم فراهم آمده است. اوضاع فعلی با شرایط هفت سال قبل بسیار فرق می‌کند. آیا مردم دوباره دست به چنین تکراری خواهند زد؟ این سوالیست که زمان بدان پاسخی مناسب پیدا خواهد کرد.

مراجع ذریبط ارسال شده، باید گفت که سرو صداها در سرک و کوچه راه تعدیل قانون نمی‌باشد، که سخن این نماینده در این مورد به این شکل بجاست که قانون کار متخصصین است. همچنین وی اضافه کرده است که کسانی که تعدیلی این ماده را خواستار می‌باشند در دو دسته جای می‌گیرند: دسته اول علمای دینی هستند، که می‌شود به راحتی با آنان بحث، گفتگو، مناظره نمود که تا به حال بحث و تبادل نظر صورت گرفته است و می‌تواند باز هم انجام پذیرد. دسته دوم به اصطلاح خودشان داعیه دار حقوق بشرند که به نظر ما نیازمند تأمل است. شاید تأمل این نماینده مردم روی این محور استوار باشد که دیدگاههای فقهی اسلامی یا حقوق اسلامی، تئوریهای حقوق عرفی را بر نمی‌تابد. حقوق عرفی منبعث از تجربیات بشری هستند اما حقوق اسلامی منبعث از مصدر وحیانی.